

راه‌های پیشگیری از گناه

حجت‌الاسلام والمسلمین علی خادمی*

مقدمه

جذاب‌ترین و نافذترین موضوعی که متولیان ادیان مختلف در دنیای امروز برای جذب مردم به کار می‌برند، «مهربانی و رحمت الهی» است؛ آن‌گونه که متأسفانه برخی ادعا می‌کنند که ماجرای جهنم و عذاب‌های اخروی، خیلی جدی نیست؛ حرفی که با متون اصیل همه ادیان مخالفت آشکار دارد. به جای این سخنان بی‌مدرک، باید جلوه‌های آشکار و پنهان رحمت الهی را از متون اصلی دین استخراج کرد. برخی الطاف و مهربانی‌های خداوند در پس‌عناوین دیگر پنهان شده است و باید با دقت و تأمل آن‌ها را آشکار کرد. یکی از این مهربانی‌های نهان، «راه‌های متعدد پیشگیری از انجام گناه و معصیت» است که در شکل‌های مختلف در اختیار ما قرار داده شده است. برخی از آن‌ها را خدای متعال مستقیماً انجام می‌دهد و برخی دیگر را با هدایت‌های طبیعیانه خود و اولیانش برایمان مهیا می‌نماید. در این مقاله به برخی از راه‌های پیشگیری از گناه اشاره می‌شود.

۱. عصمت عمومی

خداوند متعال سطحی از عصمت را در نهان بشر قرار داده است؛ به گونه‌ای که اگر تخریب نشود، می‌تواند او را از ارتکاب گناه باز دارد و اگر تقویت شود، می‌تواند انسان را تالی تلو معصوم نماید. نیروی شهوت یا همان خواهش‌های درونی و همگانی، از جمله مقدماتی است که رسیدن به کمال، بر آن استوار است؛ چراکه بهره‌مندی از عقل و خرد تنها، موجودی فراتر از ملائکه و فرشتگان را شکل نمی‌داد. از این رو، پروردگار موجودی غیر از ملائکه و حیوانات را با

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم.

ترکیب برترین صفات آن دو، به نام انسان خلق کرد. عقل و شهوت در کنار هم می‌توانند بشر را در رسیدن به کمال یاری کنند. آنچه می‌تواند شهوت را به مانعی خطرناک در این راه تبدیل کند، طغیان و سرکشی آن است. از همین روست که خداوند نیروی «عصمت» را در کنار شهوت قرار داده تا به منزله یک ترمز، در هنگامه انحراف و سقوط عمل کند و مانع از انجام گناه گردد.

معنای عصمت

«عصمت» در لغت به معنای «منع کردن و بازداشتن» است. از همین روست که وقتی شخصی دهانه مشک آب را با نخ می‌بندد، می‌گوید: «أَعْصَمْتُ الْقِرْبَةَ».^۱ در اصطلاح نیز به معنای «فیض الهی برای نگه داشتن همه بشر از گناه و گروه خاصی از بشر (انبیاء و ائمه) از گناه و خطا» است. «شرم و حیا» به عنوان خمیرمایه عصمت، هدیه ویژه الهی به انسان است.^۲ عصمت را می‌توان به دو بخش عمومی و خصوصی تقسیم کرد.

عصمت عمومی و خصوصی

این رحمت الهی دارای دو بخش است که می‌توان آن‌ها را به عمومی و خصوصی تقسیم کرد. عصمت خصوصی به پیامبران و امامان دوازده‌گانه و حضرت صدیقه طاهره علیها السلام اختصاص دارد،^۳ ولی عصمت عمومی در نهان همه انسان‌ها وجود دارد؛ هر چند درجات آن مختلف است. اولیای الهی به سبب نگسستن اصل آن و با تقویتش، مراحل بالایی از آن را دارا بوده و هستند؛ مانند زینب کبری علیها السلام و نیز سلمان فارسی که علامه مجلسی رحمته الله در توصیف او می‌گوید: «او در درجه‌ای نزدیک به عصمت، بلکه در خود عصمت قرار دارد».^۴

نیم‌نگاهی به افراد عادی و یا حتی مجرمان، این مطلب را تأیید می‌کند. آنان نیز همه گناهان را مرتکب نمی‌شوند. مطابق آمارهای رسمی، مجرمان حرفه‌ای در مناسبت‌هایی چون ماه رمضان و محرم، جرم کمتری مرتکب می‌شوند. نویسندگان مفاهیم القرآن که به داشتن تخصص در علوم مختلف اسلامی مشهور است، ضمن تأیید تقسیم‌بندی فوق، توضیح مفیدی ارائه کرده است.^۵

۱. محمد بن احمد ازهری؛ تهذیب اللغة؛ ج ۲، ص ۳۴ - ۳۵.

۲. ر.ک: مفضل بن عمر؛ توحید مفضل؛ ص ۷۹.

۳. محمدحسن مظفر نجفی؛ دلائل الصدق لنتهج الحق؛ ج ۴، ص ۲۱۷، هفت دلیل بر لزوم عصمت مطلق در حضرات معصومین علیهم السلام ذکر کرده است.

۴. محمدباقر مجلسی؛ مرآة العقول؛ ج ۱۰، ص ۸۰.

۵. ر.ک: جعفر سبحانی؛ مفاهیم القرآن؛ ج ۵، ص ۴۹.

حافظ نیز بر همین اساس، یک انسان معمولی به نام زلیخا را دارای عصمت عمومی دانسته که عشق به یوسف علیه السلام باعث شد پرده عصمتش دریده شود: من از آن حُسن روزافزون که یوسف داشت دانستم

که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را

اهل بیت علیهم السلام در دعا‌های مختلف از جمله دعای کمیل، آمرزش گناهیانی را خواسته اند که باعث از بین رفتن پرده‌های عصمت می‌شوند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ؛ خداوند، پیامرزی برای من آن گناهیانی را که پرده‌های عصمت را پاره می‌کنند». این عبارت افزون بر دعای کمیل، در صحیح‌ه یعقوب بن شعیب از امام صادق علیه السلام^۱، صحیح‌ه علی بن رئاب کوفی از امام کاظم علیه السلام^۲ و صحیح‌ه سعد بن سعد از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است.^۳

مرحوم ملا محسن فیض کاشانی درباره تقسیم‌بندی نعمت‌های الهی می‌نویسد:

نعمت‌های الهی، یا مادی و یا معنوی است. نعمت‌های مادی نیز دو بخش است: نعمت نفع و نعمت دفع. نعمت‌های معنوی هم بر دو قسم می‌باشد: نعمت توفیق و نعمت عصمت. نعمت عصمت مانند: بیزاری از شرک و عصیان.^۴

در کتاب رحمت و اسعه، مجموعه سخنان آیت‌الله بهجت رحمته الله درباره سیدالشهداء علیه السلام، چندین مطلب پیرامون عصمت عمومی آمده است.^۵ تنظیم‌کنندگان کتاب مذکور، از مجموعه بیانات آن عالم عارف چنین نتیجه‌گیری کردند:

مطابق فرموده‌های حضرت آیت‌الله بهجت رحمته الله، عصمت دو مرحله دارد: عصمت از خطیئه (گناه) و عصمت از خطا (اشتباه) و خطیئه. از این نظر، انبیای الهی، فاطمه زهرا علیها السلام و دوازده امام علیهم السلام صاحب مرحله دوم عصمت هستند؛ یعنی هم از گناه و هم از اشتباه معصوم هستند، اما عصمت از گناه، به انبیا و اوصیا اختصاص نمی‌یابد؛ بلکه بزرگانی دیگر همچون جناب زید بن علی و برخی اولیای الهی در عصرهای مختلف بوده‌اند که

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۲۱۹.

۲. همان؛ ج ۴، ص ۷۲.

۳. محمد بن حسن طوسی؛ تهذیب الأحکام؛ ج ۳، ص ۹۵.

۴. محسن فیض کاشانی؛ منهاج النجاة؛ ص ۱۱۶.

۵. ر.ک: محمد تقی بهجت؛ رحمت و اسعه؛ ص ۶۲، ۶۴، ۱۸۳ و ۲۲۶.

عصمت از گناه داشته‌اند؛ هر چند ممکن است دچار اشتباهاتی شده باشند. حضرت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله درباره امکان به دست آمدن چنین عصمتی می‌فرماید: «گواه بر این مطلب آنکه هر یک از ما، مکلف به ترک همه معاصی در همه جا و هر زمان تا آخر عمر هستیم. لازمه قسمی از این مطلب، عصمت است و در این صورت، آیا ممکن است که همه مکلف به امری باشند که برای غیر انبیا و اوصیا محال است؟!»^۱

انسانی که قدرت ترک نمودن مباح و مکروه را دارد، توان اجتناب از حرام قطعی و گناه را نیز داراست. شهید اول رحمته‌الله در این زمینه می‌نویسد: «صرف کردن زمان در کارهای مباح، هر چند کم باشد، خسران به حساب می‌آید؛ زیرا باعث کم شدن ثواب و پایین آمدن درجات معنوی می‌شود».^۲ درباره ملا عبدالله شوشتری رحمته‌الله که معاصر شیخ بهایی رحمته‌الله و علامه مجلسی رحمته‌الله بود، نقل می‌کنند: «در مقام موعظه فرزندش حسن علی فرمود: فرزندم، از زمانی که اساتیدم اجازه اجتهاد به من دادند، کار مباح یا مکروهی انجام ندادم؛ حتی در خوردن، آشامیدن، خوابیدن و ازدواج».^۳

نشانه‌های عصمت

۱. سخت بودن گناه

در منابع روایی، فراهم نشدن مقدمات گناه به عنوان نوعی از عصمت نام برده شده است؛ مانند ناپینایی که نمی‌تواند نگاه هوس‌آلود به نامحرم داشته باشد یا شرابی که نیست تا بنوشد. چنانکه امام علی علیه‌السلام فرموده است: «مِنَ الْعِصْمَةِ تَعَدُّرُ الْمَعَاصِي؛^۴ آسان نبودن انجام گناهان، بخشی از عصمت است». در سخنی منسوب به حضرت عیسی علیه‌السلام نیز آمده است: «أَكْثَرُ حَمْدِ اللَّهِ عَلَيَّ الْفَقْرُ فَإِنَّ مِنَ الْعِصْمَةِ أَنْ لَا تَقْدِرَ عَلَيَّ مَا تُرِيدُ»^۵؛ زیاد حمد الهی بر فقر داشته باش؛ زیرا یکی از اسباب عصمت، این است که قدرت بر انجام هر آنچه اراده می‌کنی، نداشته باشی».

ابن میثم در شرح نهج البلاغه می‌نویسد: «از جمله وسایل عصمت، آن است که انسان وقتی دسترسی به گناه ندارد، خود را به ترک گناه عادت دهد تا این حالت برای او به صورت ملکه‌ای در

۱. محمدتقی بهجت؛ رحمت واسعه؛ ص ۶۲؛ پاورقی ۲.

۲. محمد بن جمال‌الدین مکی عاملی؛ القواعد و الفوائد؛ ج ۱، ص ۱۱۹.

۳. محمد هاشم خراسانی؛ منتخب التواریخ؛ ص ۱۹۴.

۴. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ حکمت ۳۴۵، ص ۵۳۵.

۵. محمد بن عیسی ابن ابی فراس؛ مجموعه ورام؛ ج ۲، ص ۲۲۹.

آید».^۱

داستان نابینایی ابوبصیر، صحابی مشهور امام باقر علیه السلام و معجزه آن حضرت در شفا دادنش، می‌تواند تبیین‌کننده روایت علوی فوق باشد. ابوبصیر می‌گوید:

روزی به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «شما فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستید؟». فرمود: «بله». گفتم: «رسول خدا صلی الله علیه و آله وارث تمامی انبیاست؟». فرمود: «بله! تمام علوم آن‌ها را به ارث برده است». گفتم: «شما تمام علوم رسول خدا صلی الله علیه و آله را به ارث برده‌اید؟». فرمود: «بله!». سپس فرمود: «ای ابابصیر! به من نزدیک شو!». من به ایشان نزدیک شدم، دستش را بر صورتم کشید و من زمین هموار و کوه و آسمان و زمین را دیدم. آنگاه به من فرمود: «دوست داری مثل الآن که بینا شدی باشی، در حالی که حساب و کتابت با خدا باشد و یا مثل سابق (نابینا) باشی و بهشت به صورت قطعی پاداشت باشد؟». گفتم: «دوست دارم مثل قبل نابینا باشم و بهشت برایم محبوب‌تر است». امام علیه السلام نیز دستش را بر صورتم کشید و مثل قبل شدم و هیچ چیزی را نمی‌دیدم.

علی بن حکم که از روایان جریان فوق است، می‌گوید: «این ماجرا را برای ابن ابی‌عمیر گفتم. پاسخ داد: شهادت می‌دهم که این ماجرا مانند روز روشن حق است».^۲

چگونه شکر این نعمت گزارم
که زور مردم‌آزاری ندارم

چند پیام

سخن امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، حاوی چند پیام مهم به ما و حاکمان است:

۱. فراهم نبودن زمینه گناه، لطف خفی الهی برای انسان است؛ بنابراین نباید به هر نداشتنی، با دید منفی نگریست.

۲. اگر تغییر وضعیت سکونت، شغل و... به دور شدن ما از گناه کمک می‌کند، لازم و ضروری است.

۳. یکی از آثار و برکات هجرت مسلمانان از مکه به مدینه یا از مکه به حبشه نیز همین بود که از محیط شرک - که آن‌ها را به گناه مجبور می‌کرد - دور بمانند و خدا را آزادانه بندگی و عبادت کنند.^۳

۱. میثم بحرانی؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۵، ص ۴۱۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۴۷۰.

۳. ر.ک: نساء: ۹۷.

۴. حاکمان جامعه برای دور ماندن مردم از گناه باید کاری کنند که اسباب معصیت از میان آن‌ها برچیده شود و از طریق اقدامات تأمینی و تربیتی، جامعه را از گناه دور دارند. رهبر حکیم جمهوری اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، در توضیح سر فصل اخلاق و معنویت نوشتند:

اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید؛ پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند. با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها، مردم را با زور و فریب جهنمی کنند.

۲. نعمت ولایت

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام که از برخورد غیر شیعیان گلایه‌مند بود، به حضرت گفت: «ای فرزند پیامبر! مردم رفتار خوبی با ما ندارند، ما را اذیت می‌کنند و نسبت به ما بغض و کینه نشان می‌دهند و با طعنه و ملامت سخن می‌گویند؛ گویا ما شیعیان در زمره مسلمانان نیستیم». امام علیه السلام او را دلداری داد و فرمود: «آیا به خاطر این اتفاقات، خدا را سپاس نمی‌گویید و شکر او را به جا نمی‌آورید؟! بدانید که شیطان هنگامی که از خارج کردن محبت ما خاندان از قلب و جان شما و از دور کردن شما از ولایت ما ناامید شد، شروع به تحریک مردم به حسدورزی و آزار شما کرد». سپس به یکی دیگر از نشانه‌های عصمت، یعنی پایداری شیعیان بر ولایت اهل بیت علیهم السلام اشاره کرد و فرمود: «فَاَحْمَدُوا اللَّهَ عَلَيَّ مَا وَهَبَ لَكُمْ مِنَ الْعِصْمَةِ؛ پس خدا را شکر کنید بر عصمتی که به شما اهدا کرد (و به برکت آن عصمت، حملات شیطان و رفتار مردم، آسیبی به ایمان شما نمی‌رساند)». سپس فرمود:

هر زمان این سختی‌ها و دشواری‌ها در نظرتان بزرگ و سنگین آمد، به رنج‌ها و مشکلاتی که بر ما و دیگر انبیا و اولیای الهی وارد شده است، بیاندیشید. شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «سخت‌ترین و سنگین‌ترین امتحانات و بلاها در دنیا به چه کسانی وارد می‌شود؟». ایشان فرمود: «انبیا، سپس اوصیای ایشان، سپس ائمه و سپس مؤمنان؛ پس هر کس از لحاظ درجه ایمان و مقام قُرب الهی بالاتر باشد، بلا و امتحانش سخت‌تر و سنگین‌تر خواهد بود». بدانید که خداوند برای ما و شما عیش و آسایش ناب و به دور از

راه‌های پیشگیری از گناه ■ ۱۳

رنج و سختی را در آخرت برگزیده است (نه در دنیا)؛ همان‌طور که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است».^۱

تخریب عصمت

این نعمت الهی به سبب گناهایی که انجام می‌دهیم، تضعیف و تخریب می‌شود. در روایتی از امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَام به گناهایی که سبب پاره شدن این نعمت بزرگ الهی می‌شوند، اشاره شده است:

الدُّنُوبُ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَاللَّعِبُ بِالْقَمَارِ وَتَعَاظِي مَا يُضْحِكُ النَّاسَ مِنَ اللَّغْوِ وَالْمَزَاحِ وَذِكْرُ غُيُوبِ النَّاسِ وَمُجَالَسَةُ أَهْلِ الرَّيْبِ؛^۲ نوشیدن مشروبات مست‌کننده، بازی کردن با آلات قمار، خندانیدن مردم به وسیله سخنان لغو و شوخی‌های نابجا، بازگو کردن عیب دیگران و همنشینی با انسان‌های گنهکار.

تقویت عصمت

عصمت از گناه این قابلیت را دارد که توسط خودمان تقویت و یا بازسازی و ترمیم شود. برای این کار، راه‌هایی وجود دارد:

۱. تقوی

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در بیانی زیبا فرموده است: «إِنَّ التَّقْوَى عِصْمَةٌ لَكَ فِي حَيَاتِكَ وَ زُلْفَى لَكَ بَعْدَ مَمَاتِكَ؛^۳ به درستی که تقوا سبب عصمت تو در دوران زندگانی و نزدیکی ات (به رحمت الهی) بعد از مرگت خواهد شد».

۲. خوش‌نیتی

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در این باره فرموده است: «إِذَا عَلِمَ اللَّهُ تَعَالَى حُسْنَ نِيَّةٍ مِنْ أَحَدٍ اِكْتَفَى بِالْعِصْمَةِ؛^۴ هنگامی که خدای متعال از کسی حُسن نیت ببیند، او را در سایه عصمت خود قرار می‌دهد».

۱. نعمان بن محمد ابن حیون مغربی؛ دعائم الإسلام؛ ج ۱، ص ۴۷.

۲. محمد بن علی صدوق؛ معانی الأخبار؛ ص ۲۷۱.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۲۲۵.

۴. حسن بن محمد دیلمی؛ أعلام الدین؛ ص ۳۳۱.

۳. عبرت‌آموزی

در حدیثی کوتاه از امام علی علیه السلام آمده است: «الإِغْتِبَارُ يُثْمِرُ الْعِصْمَةَ؛^۱ عبرت‌آموزی (از دیگران و اطراف) باعث عصمت می‌شود».

۴. صبر

در بخشی از نامه بی‌نظیر امیرمؤمنان علیه السلام به امام مجتبی علیه السلام آمده است: «...التَّصَبُّرُ عَلَى الْمَكْرُوهِ يَعْصِمُ الْقَلْبَ...»^۲ به زحمت انداختن خود در صبر کردن هنگام ناملایمات، سبب عصمت قلب و روح انسان می‌گردد».

۵. ذکر کثیر، گریه و سحرخیزی

در حدیثی از رسول‌خدا صلی الله علیه و آله به سه مورد دیگر از عوامل تقویت عصمت اشاره شده است: «ثَلَاثَةٌ مَعْصُومُونَ مِنْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ الدَّاكِرُونَ لِلَّهِ وَ الْبَاكُونَ مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْأَشْحَارِ»^۳ سه نفرند که از شر شیطان و لشکرش در امانند: ذکر گویندگان برای خدا؛ گریه کنندگان از ترس خدا، استغفار کنندگان در سحرها».

۶. دعا

امام سجاد علیه السلام در ضمن ۱۳۳ خواسته خود در دعای عرفه، به پیشگاه الهی عرض می‌دارد: «و هَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِيَنِي مِنْ حَشِيَّتِكَ وَ تَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ وَ تَكْفِيَنِي مِنْ أَشْرِ الْعَطَائِمِ»^۴ و به من عصمتی هدیه کن که مرا به ترسیدن از (عذاب) تو نزدیک کند و از ارتکاب گناهان جدا نماید و از گرفتار شدن به گناهان بزرگ رهایم سازد».

در دعای رسیده از سوی امام زمان علیه السلام برای خواندن در ماه رجب نیز می‌خوانیم: «... وَ اعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرِ الْعِصْمِ...»^۵ خدایا! ما را از گناهان، معصوم بگردان با بهترین عصمت‌ها». در روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان نیز این‌گونه دعا می‌کنیم: «اللَّهُمَّ عَشِّنِي فِيهِ مِنَ الرَّحْمَةِ، وَ

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۵۰.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۴، ص ۲۰۷ و ۲۲۷.

۳. حسن بن محمد دیلمی؛ إرشاد القلوب؛ ج ۱، ص ۱۹۶.

۴. امام زین‌العابدین علیه السلام؛ صحیفه سجادیه؛ دعای ۴۷، ص ۲۲۶.

۵. محمد بن حسن طوسی؛ مصباح المتهجد؛ ج ۲، ص ۸۰۴.

از رُفْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَ الْعِصْمَةَ، وَ طَهَّرَ قَلْبِي مِنْ غِيَابِ التُّهْمَةِ، يَا رَحِيماً بِعِبَادِهِ الْمُدْنِبِينَ؛^۱ خداوند! در این روز مرا با رحمت خود فراگیر و توفیق و عصمت را روزی‌ام کن و دلم را از تاریکی‌های بدگمانی پاکیزه گردان؛ ای مهرورز به بندگان گناهکار».

در بخشی از مناجات مفصل و زیبایی است که منسوب به امام سجاد علیه السلام و به نام مناجات انجیلیه مشهور است، می‌خوانیم: «أَسْأَلُكَ مِنَ الشَّهَادَةِ أَقْسَطَهَا وَ مِنَ الْعِبَادَةِ أَنْشَطَهَا... وَ مِنَ الْعِصْمَةِ أَكْفَاهَا...»^۲ از تو عادلانه‌ترین شهادت دادن‌ها و بانشاط‌ترین عبادت‌ها و کافی‌ترین عصمت‌ها را درخواست می‌کنم».

۲. جریمه حکیمانه

از دورترین دوران زندگی بشر برای پیشگیری از وقوع جرم، جریمه و قانون‌های کیفری وضع شده است. کیفرهای جزایی، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد ترس در برابر انجام جرم است و نقش مهمی در کاهش مفاسد و جرایم دارد. آیین اسلام که تمام مقررات لازم برای انسان را در بر دارد و قوانین آن برای جلب مصلحت و دفع مفاسد به نفع بشر وضع شده است، جزایهای دقیق، عادلانه و مؤثری را مقرر کرده تا از رهگذر آن، جرم‌های بعدی کاهش یابد؛ جرم‌هایی که ممکن است توسط فرد مجرم و یا دیگران اتفاق بیفتند. با دقت عاقلانه می‌توان رحمت الهی را در این دستورات مشاهده کرد.

اجرای حد الهی، هم برای مجرم و هم دیگران رحمت است. دیگران با دیدن آن، از گناه منصرف می‌شوند و مجرم نیز از دو جهت مشمول رحمت خفیه حضرت حق می‌شود. از سویی اجرای حد، سبب تطهیرش می‌شود. حُمران می‌گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: «کسی که حد رجم بر او جاری شده است، آیا در قیامت نیز دوباره عقاب خواهد شد؟». حضرت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مِنْ ذَلِكَ»^۳ خداوند کریم‌تر از آن است». از سوی دیگر باعث می‌شود آن گناه و حتی گناهان دیگر در آینده زندگی‌اش تکرار نشود و بار گناهانش کاهش یابد. امام موسی کاظم علیه السلام در تفسیر

۱. علی بن موسی ابن طاووس؛ الإقبال بالأعمال الحسنة؛ ج ۱، ص ۴۱۰.

۲. همان، ج ۹۱، ص ۱۵۵.

۳. محمدبن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۴۴۳.

آیه «...يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...»^۱ فرموده است:

لَيْسَ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ وَ لَكِنَّ يَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَيُحْيُونَ الْعَدْلَ فَتُحْيَا الْأَرْضُ لِإِحْيَاءِ الْعَدْلِ وَ لِإِقَامَةِ الْحَدِّ لِيُفْعَلَ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْقَطْرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا؛^۲ منظور این نیست که خداوند زمین را به وسیله باران زنده می‌کند؛ بلکه مردانی را بر می‌انگیزد که عدالت را احیا کنند و زمین با احیای عدالت، زنده می‌شود و قطعاً اقامه عدل در زمین، از چهل روز باران نافع‌تر است.

خودجریمه‌ای

نقش جریمه و کیفر در بازداشتن از خطا، به قدری است که عالمان علم اخلاق به صورت جدی به خودجریمه‌ای سفارش می‌کنند. در حالات مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی^{رحمه‌الله} نقل شده است: «زمانی که در بروجرد بودند، نذر کردند اگر خشم و عصبانیت خود را کنترل نکردند و به دیگران تندی نمودند، یک سال روزه بگیرند. روزی به یکی از شاگردان خود - به خاطر اینکه آن شاگرد مطالب غیر منطقی و بی‌ارتباط با موضوع درس می‌گفت - تندی نمودند. پس از آن، یک سال روزه گرفتند تا نذر خود را ادا کنند».^۳

۳. بخشودن نیت گناه

مرحله قبل از ارتکاب گناه، «نیت و قصد» آن است. اگر انسان خود را از فکر کردن درباره معصیت دور نکند، کم‌کم مرتکب آن نیز می‌شود. داشتن نیت گناه، نشانه جرأت و جسارت در برابر خالق متعال است. مرحوم شیخ انصاری^{رحمه‌الله} در ابتدای کتاب رسائل و در مبحث تجرّی (نیت گناه بدون انجام اصلش)، دو نوع دلیل قرآنی و روایی درباره عقاب داشتن یا نداشتن آن مطرح می‌کند: دلایلی که بر عقاب دلالت دارد و دلایلی که گویای عفو الهی نسبت به آن است. سپس دو شیوه برای جمع کردن میان آن ادله ذکر می‌کند.^۴ نکته قابل توجه این است که حتی مطابق دلایل دسته دوم، گنهکار استحقاق عقاب را پیدا کرده است، ولی فضل الهی باعث

۱. روم: ۱۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۷، ص ۱۷۴.

۳. خبرگزاری رسمی حوزه؛ «ماجرای یک سال روزه پشت سر هم آیت‌الله العظمی بروجردی^{رحمه‌الله}»؛ ۱۳۹۸/۰۲/۲۱.
<https://www.hawzahnews.com/news/491803>

۴. مرتضی انصاری؛ فراند الأصول؛ ج ۱، ص ۴۸.

آمرزشش شده است. از جمله دلایل مذکور، این آیه شریفه است: «...وَ إِنْ تَبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوا يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ...»^۱ اگر آنچه را در دل دارید، آشکار سازید یا پنهان، خداوند شما را بر طبق آن محاسبه می‌کند». رسول خدا ﷺ نیز فرموده است: «إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيِّئَتَيْهِمَا عَلَى غَيْرِ سُنَّةِ الْقَاتِلِ وَالْمَقْتُولِ فِي النَّارِ؛ وقتی دو مسلمان شمشیر به دست، با یکدیگر روبه‌رو شوند و یکی از آن‌ها دیگری را بکشد، قاتل و مقتول به جهنم می‌روند». گفته شد: «ای رسول‌خدا! قاتل که معلوم است؛ مقتول چرا جهنمی می‌شود؟». فرمود: «لِأَنَّهُ أَرَادَ قَتْلًا؛^۲ چون او نیز نیت کشتن دیگری را داشت».

در دنیای کنونی با کسی که قصد کودتا داشته باشد، هر چند هنوز کودتا را عملیاتی نکرده باشد، برخورد تندی می‌کنند؛ ولی خدای مهربان از نافرمانی و بی‌حرمتی ما نسبت به خودش گذشت می‌کند و با اینکه می‌تواند برای نیت گناه جزایی در نظر بگیرد، ما را با عفو خودش مورد لطف و تشویق قرار می‌دهد تا شاید از همین گام اول به عقب برگردیم و مرتکب اصل گناه نشویم. برجسته‌ترین صفت انبیای الهی در قرآن، تقواست؛ چنانکه درباره حضرت یحیی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «وَ حَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَ زَكَاةً وَ كَانَ تَقِيًّا»^۳ و رحمت و محبتی از ناحیه خود به او بخشیدیم و پاکی (دل و جان)؛ و او پرهیزگار بود».

مفسران، تقی بودن این پیامبر الهی را به «دوری او از گناهان» و نیز «نیت گناه نداشتن» معنا نموده‌اند؛^۴ چرا که بالاترین مرتبه تقوا که از آن به ورع تعبیر می‌شود، «دوری کردن از نیت و قصد معصیت» است. امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام ضمن روایتی مفصل که به ذکر فضایل پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پرداخته است، می‌فرماید:

پروردگار متعال به رسول خود فرمود: هر کار نیکی از امت‌های سابق، یک حسنه داشت و در برابر هر گناهی نیز یک سیئه برایشان نوشته می‌شد و این از سختی‌های آنان محسوب می‌شد؛ ولی برای امت تو آن را تغییر دادم و هر کار نیکی از افراد امت تو را ده برابر پاداش و

۱. بقره: ۲۸۴.

۲. محمد بن حسن طوسی؛ تهذیب الأحکام؛ ج ۶، ص ۱۷۴.

۳. مریم: ۱۳.

۴. محمد بن محمد رضا قمی مشهدی؛ کنز الدقائق؛ ج ۸، ص ۲۰۴.

هر گناهی از آنان را فقط یک سیئه مقرر کردم. در امت‌های گذشته اگر کسی نیت کار خیری داشت، ولی آن را به مرحله عمل نمی‌رساند، هیچ حسنه‌ای برایش ثبت نمی‌شد و چنانچه موفق به عمل کردن به آن نیت خیر می‌گشت، یک حسنه محسوب می‌شد؛ ولی امت تو اگر نیت خیری داشته باشی، چنانچه موفق به عمل کردن نشوی، یک حسنه برایشان محسوب خواهد شد و در صورت عمل به آن، ده حسنه برایشان ثبت می‌شود و این از سختی‌های امت‌های پیشین بود که از امت تو برداشتم. در امت‌های سابق اگر کسی نیت گناهی می‌کرد، ولی اصل گناه را انجام نمی‌داد، ثبت نمی‌شد و اگر انجام می‌داد، یک گناه برایش نوشته می‌شد؛ ولی اگر امت تو قصد گناهی کند، ولی آن را انجام ندهند؛ یک حسنه برایشان ثبت می‌شود. این نیز دستور سختی برای امت‌های پیشین بود که از امت تو برداشتم...^۱

۴. الگوهای عملی

خداوند حکیم و مهربان، بشر را به وسیله قرآن و سخنان پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام به بهترین شکل هدایت کرده است. در ابتدای سوره کهف، قرآن را به «قیم بودن» توصیف کرده است؛ یعنی این کتاب با توجه به محتوای جامعی که دارد، سرپرستی بشر را به درستی انجام خواهد داد. روایات معصومین علیهم السلام - که در کتاب کافی، ۱۶ هزار مورد از آن‌ها جمع‌آوری شده است - به خوبی هدایت‌گری قرآن را کامل نموده است. با این حال لطف الهی تا آنجا پیش رفته که افزون بر این دو گنج گران‌بها، مکملی را نیز در کنار آن دو قرار داده تا سریع‌تر و کامل‌تر به مقصود برسیم و آن مکمل، چیزی جز «سیره و سبک زندگی حضرات معصومین علیهم السلام» نیست. عصمت کامل و ویژه‌ای که در وجود آن دردانه‌های آفرینش نهادینه شده است، اعمال بزرگ و کوچک‌شان را نقشه راه عملی بشریت قرار داده است.

آیه صادقین، نمونه‌ای از دستورات قرآنی است که اهل بیت علیهم السلام بهترین و کامل‌ترین مصداق آن هستند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید». فخر رازی، مفسر شهیر اهل تسنن، افزون بر

۱. احمد بن علی طبرسی؛ الاحتجاج علی اهل اللجاج؛ ج ۱، ص ۲۲۱؛ محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۱۰، ص ۴۳ و ج ۱۷، ص ۲۹۰.

۲. توبه: ۱۱۹.

اینکه معتقد است «صادقین» باید معصوم باشند؛ بر این باور است که این آیه به عصر نبوی اختصاص ندارد و در هر عصری لازم است «صادق معصوم» وجود داشته باشد تا مردم بتوانند امر الهی را در همراهی با او عمل نمایند: «خداوند مؤمنان را به همراه بودن با صادقین دستور داده است. بنابراین، آیه بر این دلالت دارد: آن‌هایی که جایز الخطا هستند، باید به کسی اقتدا کنند که معصوم از خطا باشد تا در پرتو او از خطا مصون بمانند، و این معنا در هر زمانی خواهد بود و هیچ دلیلی بر اختصاص آن به عصر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نداریم». ^۱ امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «أَنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَ مَعِي عَثْرَتِي وَ سِبْطَايَ عَلَى الْخَوْضِ فَمَنْ أَرَادَنَا فَلْيَأْخُذْ بِقَوْلِنَا وَ لِيُعْمَلْ عَمَلُنَا؛ ^۲ من به همراه عترتم و دو سبطم با رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر حوض کوثر اشراف داریم. هر کس ما را می‌خواهد، باید گفتار ما را بگیرد و به عمل ما عمل کند». امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز در حدیثی خطاب به مفضل، ضمن دسته‌بندی شیعیان از نظر محبت به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به سه گروه، دستداران واقعی را این‌گونه معرفی کرده است: «وَ فِرْقَةٌ أَحَبُّنَا وَ حَفِظُوا قَوْلَنَا وَ أَطَاعُوا أَمْرَنَا وَ لَمْ يَخَالِفُوا فِعْلَانَا فَأُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ؛ ^۳ و گروهی دیگر ما را دوست دارند و سخن ما را حفظ، و فرمان ما را پیروی می‌کنند و با کار ما مخالفت نمی‌کنند. اینان از ما هستند و ما از آنانیم».

۵. محبت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام

یکی دیگر از تدابیر حکیمانه حضرت حق برای دور کردن بندگانش از معصیت، قرار دادن محبت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به عنوان تنها اجر رسالت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. خداوند درباره این اجر می‌فرماید: «أَمْ تَسْتَلْتُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ؛ ^۴ آیا تو از آن‌ها پاداشی بر ادای رسالت خواسته‌ای که بر دوش آن‌ها سنگینی می‌کند؟!». در آیه دیگری می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ ^۵ بگو من از شما پاداشی نمی‌طلبم، جز دوستی خویشاوندانم».

۱. محمد بن عمر فخر رازی؛ التفسیر الکبیر؛ ج ۱۶، ص ۲۲۰.

۲. محمد بن علی صدوق؛ النخصال؛ ج ۲، ص ۴۲۴.

۳. حسن بن علی ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۵۱۴.

۴. ر.ک: طور: ۴۰؛ قلم: ۴۶.

۵. شوری: ۲۳.

همچنین فرموده است: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»^۱ بگو هر اجر و پاداشی از شما خواستم، برای خودتان است».

در آیه نخستین، هر گونه اجر و پاداشی را در برابر زحمات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منتفی می‌داند و آن را یکی از نشانه‌های صداقتش برمی‌شمرد. آیه دوم که اجر معنوی مودت خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از همگان می‌طلبد، نشان از آن دارد که در آیه پیشین، اجر مادی منتفی شده بود، نه هر اجری. آیه سوم نیز حکایتگر اوج رحمت و تلاش الهی برای هدایت بشر است که همان اجر معنوی را ضامن هدایت انسان‌ها قرار داد؛ یعنی مودت ذی‌القربی که به جریان امامت و ولایت می‌انجامد و خط نبوت را زنده نگاه می‌دارد، میوه‌ای جز استمرار هدایت بشر در پی نخواهد داشت. چنانکه امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «أَجْرُ الْمَوْدَةِ الَّذِي لَمْ أَسْأَلْكُمْ غَيْرَهُ فَهُوَ لَكُمْ، تَهْتَدُونَ بِهِ وَ تَنْجُونَ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۲ معنای سخن خدا این است: مودتی که من از شما غیر از آن را به عنوان مزد رسالت نخواستم، به نفع خود شماست؛ زیرا به وسیله آن هدایت می‌شوید و از عذاب روز قیامت نجات پیدا می‌کنید».

به واقع یکی از مهم‌ترین آثار محبت، توانایی فاصله گرفتن از گناهان و روی آوردن به بندگی حضرت حق است و معنای این سخن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بهتر روشن می‌گردد: «أَثْبَتُكُمْ قَدَمًا عَلَى الصِّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي»^۳ پابرجاترین شما بر صراط، کسی است که محبتش به اهل بیت من بیشتر باشد». بنابراین هر چه محبت به اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیشتر باشد، دوری از نافرمانی حضرت حق نیز بیشتر خواهد شد و به این وسیله، امان از لغزش بر صراط روزی محب می‌گردد. درباره این محبت و مودت چند نکته قابل توجه است:

۱. مراد از مودت، دوستی خاصی است که آثار ظاهری مانند معرفت و تأثیرپذیری از محبوب را به دنبال دارد؛ زیرا دوست داشتن عادی و معمولی نمی‌تواند اجر رسالت باشد؛ اجری که خداوند آن را تعیین نموده و پاداش سخت‌ترین دوران‌های نبوت در طول تاریخ بوده است. در واقع هدف اصلی از تعیین این اجر، «مرجع قرار گرفتن قُربی» برای استمرار هدایت بشر است.

۱. سبأ: ۴۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۸، ص ۳۷۹.

۳. محمد بن علی صدوق؛ فضائل الشیعه؛ ص ۶.

۲. مودت نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام، پرتو و مقدمه‌ای برای محبت ورزیدن به محبوب اهل بیت علیهم‌السلام یعنی پروردگار عالم است. از همین روست که در مناجات شعبانیه می‌خوانیم: «إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَاقْتٍ أُيَقِّظُنِي لِمَحَبَّتِكَ؛^۱ خداوندا، برایم نیرویی نیست که خود را به وسیله آن از عرصه نافرمانی‌ات بیرون ببرم، مگر آن‌گاه که به محبتت بیدارم سازی».

۳. صفحات تاریخ مملو از جریان‌های گوناگونی است که نقش محبت ورزیدن به اولیای الهی در ترک گناه را ملموس می‌کند. ماجرای زهیر بن قین بجلی که در گناه و انحراف غرق بود، تنها یک نمونه از این موارد است. روز تاسوعا که لشکر ایمان و کفر آماده نبرد شدند، عروة بن قیس فرمانده سواره‌نظام سپاه ابن‌سعد، به زهیر گفت: «كنت عندنا عثمانياً فما لك؛ تونزد ما عثمانی بودی (عثمان را مظلوم و قاتلش را علی می‌دانستی)، چرا این قدر تغییر کردی؟!». زهیر پاسخ داد: «والله ما كتبتُ إلى الحسين ولا أرسلتُ إليه رسولا، ولكن الطريق جَمَعَنِي وِإِيَّاهُ، فَلَمَّا رَأَيْتُهُ دَكَّرْتُ بِهِ رَسُولَ اللَّهِ...^۲؛ به خدا سوگند من (بر خلاف تو) نامه‌ای به حسین ننوشتم و پیکری به سویش نفرستادم، اما مسیر راه ما را به هم رسانید. هنگامی که او را دیدم، به یاد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله افتادم...».

مهر پاکان در میان جان نشان
دل مده الا به مهر دل‌خوشان^۳

۶. توبه‌پذیری

یکی از مهم‌ترین حکمت‌هایی که در باز بودن در توبه برای همه مجرمان وجود دارد، نقش بازدارندگی آن در پیشگیری مجرم نسبت به گناهان آتی اوست. نگاهی به زندگانی توبه‌کنندگان مشهور تاریخ، گویای تأثیر شگرف توبه در پیشگیری از گناهان است. اگر فضیل بن عیاض موفق نمی‌شد که توبه کند، اموال بسیاری به غارت می‌رفت، مسافران بسیاری آواره می‌شدند و دل‌های بسیاری می‌شکست. در زندگی نامه‌اش نقل شده است:

در شبی که آن دگرگونی عجیب در او پدید آمد، سرگردان و منقلب شده بود. گذرش به کاروانسرای افتاد که کاروانی در آن استراحت می‌کرد. در گوشه‌ای سر به گریبان، بر گذشته

۱. علی بن موسی ابن‌طاووس؛ اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۲۹۸.

۲. احمد بن یحیی بلاذری؛ أنساب الأشراف؛ ج ۳، ص ۱۸۴.

۳. جلال‌الدین محمد مولوی بلخی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر اول، سایت گنجور.

آلوده خود افسوس می خورد. کاروانیان درباره ساعت حرکت سخن می گفتند. یکی از کاروانیان می گفت: امشب حرکت کنیم. دیگری گفت: به صلاح نیست که امشب حرکت کنیم، بگذارید هوا روشن شود؛ زیرا فضیل بر سر راه است و خطر او، قافله را تهدید می کند. این سخن، آتشی در دل فضیل بر افروخت و از اینکه جنایات او این چنین مردم را مضطرب و پریشان ساخته است، به شدت متأثر شد و بی اختیار از جا برخاست و گفت: مردم! بدانید من فضیل بن عیاضم. آسوده خاطر باشید که فضیل دیگر دزدی نمی کند و سر راه را بر کاروانیان نمی بندد. او به درگاه خدا بازگشته و از گناه خود، توبه کرده است.^۱

تَوَابٌ در قرآن

در ۳۵ آیه، توبه خداوند به سوی بندگانش مطرح شده است که یازده مورد آن با کلمه «تَوَابٌ» است. نکته قابل تأمل آنکه در بیشتر آن آیات یازده گانه پس از تَوَابٌ، رحیم بودن پروردگار مطرح شده است؛ مگر در آیه دهم سوره نور که حکیم بودنش را آورده است: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ»^۲ و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نبود و اینکه او توبه پذیر و حکیم است، (هرگز از شقاوت رهایی نداشتید و همیشه به معصیت و خطا دچار بودید و به خاطر جهالت، نظام امورتان مختل می گشت). شاید بتوان مهم ترین پیام قرار گرفتن کلمه حکیم پس از تواب را اثر بازدارندگی توبه دانست که خداوند حکیم به مقتضای حکمت خویش، راه توبه را به همین جهت باز گذاشته است.^۳

شاید بتوان گفت یکی از حکمت هایی که در نپذیرفتن توبه محض وجود دارد،^۴ همین نکته است؛ یعنی کسی که در واپسین روزها یا لحظات عمرش توبه می کند، اثر بازدارندگی بر توبه اش بار نمی شود. درباره چرایی حذف جواب «لو» در آیه شریفه، مفسران گفته اند: «به خاطر عظمت جواب بود؛ یعنی ظرفیت محدود کلمات نمی توانست مفهوم واقعی آن جواب را برساند».^۵

گر توبه مددکار گنه کار نبودی
 او را که به سر حد کرم راه نمودی
 و توبه نبودی که در فیض گشودی
 زنگ غم از آئینه عاصی که زدودی

۱. ر.ک: احمد بن محمد ابن خلکان؛ وفيات الأعيان؛ ج ۴، ص ۴۷.

۲. نور: ۱۰.

۳. ر.ک: محمد طاهر ابن عاشور؛ التحرير و التوير؛ ج ۱۸، ص ۱۳۵.

۴. ر.ک: نساء: ۱۸.

۵. محمود بن عبدالله آلوسی؛ روح المعانی؛ ج ۹، ص ۳۰۸.

۷. بهداشت ذهن

فکر کردن به انجام یک کار، اثر بسزایی در انجام آن دارد؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «فِكْرُكَ فِي الطَّاعَةِ يَدْعُوكَ إِلَى الْعَمَلِ بِهَا وَفِكْرُكَ فِي الْمَعْصِيَةِ يَحْدُوكَ عَلَى الْوُقُوعِ فِيهَا؛ فکر کردن در باره طاعت، تو را به عمل نمودن به آن طاعت، و فکر کردن در باره گناه، تو را به عمل نمودن به آن گناه می‌کشاند».

قرآن کریم، فکر گناه یا همان وسوسه شیطان‌های انسی و جنی را یک حقیقت و امری طبیعی دانسته است، ولی عملیاتی نکردن آن را از صفات اهالی تقوا بر شمرده است: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»^۱ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند».

نیت گناه دو گونه است: گاهی فقط خطور در قلب است؛ یعنی بی‌اختیار بر قلب انسان گذر می‌کند و ادامه ندارد. گاهی نیز به عزم و تصمیم جدی بر گناه می‌رسد. مقصود از مطالب فوق، همین بخش است. امام صادق علیه السلام فرموده است:

حضرت عیسی علیه السلام به حواریون فرمود: موسی بن عمران علیه السلام به شما دستور داد که زنا نکنید، ولی من به شما امر می‌کنم که روح خود را به زنا خبر هم ندهید (فکر زنا نکنید)، تا چه رسد به انجام آن؛ زیرا کسی که روح و فکرش را به زنا خبر دهد، مانند کسی است که در اطاق رنگینی آتش روشن کند. دود آتش نقشه‌های رنگین آن اطاق را کثیف می‌کند؛ گر چه خانه را نسوزاند.^۲

۸. سالم‌سازی محیط

از راهکارهای پیشگیری از گناه، سالم‌سازی محیط پیرامون است. از نظر اسلام، برخی مکان‌ها و کارها سبب گرفتار شدن انسان در باتلاق گناه می‌شود. از این رو باید از آن‌ها دوری کرد و اگر برای انسان مهیا شد، باید با آن‌ها مقابله نمود. برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ص ۴۸۳.

۲. اعراف: ۲۰۱؛ ق: ۱۶.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۵۴۲.

الف. دوستان ناباب

در آیات و روایات بسیاری به دوری کردن از دوستان ناباب و لزوم داشتن یاران واجد شرایط تأکید شده است؛ زیرا دوست و رفیق، در سعادت و شقاوت انسان نقش بسزایی دارد:

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا^۱؛ و خداوند (این حکم را) در قرآن بر شما نازل کرده که هر گاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می کنند، با آنها ننشینید تا به سخن دیگری پردازند، و گر نه شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و همه کافران را در دوزخ جمع می کند.

اهمیت این مسأله تا آنجاست که اگر محیط پیرامونی انسان به اندازه‌ای آلوده باشد که امکان دینداری و دوری از گناه را از انسان بگیرد، هجرت و دوری از محل زندگی، وظیفه‌ای است که عقل و قرآن بر آن تأکید دارند:

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا^۲؛ کسانی که فرشتگان (قبض ارواح)، روح آن‌ها را گرفتند در حالی که به خویششان ستم کرده بودند، به آن‌ها گفتند: شما در چه حالی بودید؟ (و چرا با اینکه مسلمان بودید، در صف کفار جای داشتید؟!); گفتند: ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم. آن‌ها [فرشتگان] گفتند: مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟! آن‌ها (عذری نداشتند و) جایگاهشان دوزخ است و سرانجام بدی دارند.

امام علی علیه السلام در ضمن خطبه دیباج می فرماید: «مَجَالِسَةُ أَهْلِ اللَّهِ هِيَ يُنْسِي الْقُرْآنَ وَ يُخَضِّرُ الشَّيْطَانَ^۳؛ همنشینی با اهل لهو و گناه، باعث فراموشی قرآن و حاضر شدن شیطان می شود». مصداق این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام را می توان در زندگی نجاشی شاعر دانست. او که یکی از شعرایی بود که در جنگ صفین به نفع لشکر حق شعر سروده بود، در اثر همنشینی با دوست بد

۱. نساء: ۱۴۰؛ انعام: ۶۸.

۲. نساء: ۹۷.

۳. حسن بن علی ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۱۵۱.

و اثرپذیری از رفیق ناباب، از دین منحرف، و به گناه بزرگ شراب‌خواری مبتلا شد. وقتی خبر به امیرالمؤمنین علیه السلام رسید، حضرت حدّ شرعی را که ۸۰ ضربه شلاق بود و نیز ۲۰ ضربه دیگر به خاطر حرمت‌شکنی ماه رمضان بر او جاری کرد. او که تا دیروز عاشق و سرسپرده امام علی علیه السلام بود، به واسطه اثرپذیری از یک دوست بد و در یک تصمیم‌گیری عجولانه و نادرست به معاویه پناهنده، و عاقبت به شرّ شد.^۱

ب. خلوت نکردن با نامحرم

امام صادق علیه السلام در حدیثی به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ابلیس نزد حضرت موسی بن عمران علیه السلام رفت و به او سفارش‌های مهمی کرد و از جمله گفت: ای موسی! نه تو با زنی خلوت کن و نه او با تو خلوت کند؛ زیرا هیچ مرد و زنی با هم خلوت نمی‌کنند، مگر اینکه من خودم همدم آنان خواهم شد، نه یاران من».^۲

فردی به نام «محمد طیار» می‌گوید:

وارد مدینه شدم و به دنبال خانه‌ای می‌گشتم تا آن را اجاره کنم. به خانه‌ای وارد شدم که دو اتاق داشت و میان آن‌ها فقط یک در بود. در آن خانه، زنی تنها زندگی می‌کرد. او از من پرسید: این خانه را اجاره می‌کنی؟ گفتم: میان این دو اتاق فقط یک در است و من هم جوانم. زن گفت: در را می‌بندم. من نیز وسایلم را به آن خانه بردم و از زن خواستم در را ببندد، اما زن خواست که در باز باشد؛ زیرا از بسته شدن در و تنها ماندن وحشت داشت. من دوباره خواستم که در را ببندد؛ زیرا هم او جوان بود و هم من. زن دوباره امتناع کرد و گفت که در اتاقش می‌ماند و نزد من نمی‌آید. وقتی وضعیت را چنین دیدم، نزد امام صادق علیه السلام رفتم و از حضرت کسب تکلیف کردم. حضرت فرمود: «تَحَوَّلْ مِنْهُ فَإِنَّ الرَّجُلَ وَالْمَرْأَةَ إِذَا خُلِّيَا فِي بَيْتٍ كَانَا تَالِثَهُمَا الشَّيْطَانُ»^۳ از آن خانه بیرون شو؛ زیرا هرگاه مرد و زنی در خانه‌ای خلوت کنند، سومین نفر شیطان است».

۱. محمد بن مکرم ابن منظور؛ لسان العرب؛ ج ۸، ص ۴۱۵؛ عبدالحمید بن هبة الله ابی ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۴، ص ۸۷.

۲. محمد بن محمد مفید؛ الامالی؛ ص ۱۵۷.

۳. محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۲۵۲.

ج. کنترل چشم

از دیگر راه‌های سالم‌سازی محیط از مقدمات گناه، کنترل چشم است که می‌تواند از گناهان زیادی جلوگیری کند. امام علی علیه السلام فرموده است: «نِعْمَ صَارِفُ الشَّهَوَاتِ غَضُّ الْأَبْصَارِ؛^۱ چشم‌پوشی از حرام، چه عامل خوبی برای برگرداندن انسان از شهوات است».

شاید این سؤال مطرح شود که علت این همه تأکید بر کنترل چشم چیست؟ مقام معظم رهبری در سخنانی حکیمانه، علت آن را این‌گونه تشریح کرده است:

اینکه اسلام اینقدر گفته چشم‌تان را ببندید، به نامحرم نگاه نکنید، به زن یک جور گفته و به مرد یک جور دیگر گفته، برای این است که وقتی چشم به یک طرفی رفت، آن وقت بخشی از سهم آن کسی که همسر شماست، آن طرف خواهد رفت. حالا چه شما مرد باشید و چه زن، فرقی نمی‌کند. یک قسمت می‌رود آنجا. وقتی اینجا کم گذاشتی، محبت ضعیف خواهد شد. محبت که ضعیف شد، بنای خانوادگی متزلزل می‌شود. آن وقت آنچه که برای تو لازم است، از دست می‌رود و آنی که برایت مضر است، به خیال خودت به دست آورده‌ای!^۲

فرد چشم‌چران پس از آنکه به خانه باز می‌گردد، مجموعه‌ای از ویژگی‌های نامحرم‌ان را در ذهنش مجسم می‌کند. سپس در مقام مقایسه آن‌ها با همسرش بر می‌آید و به او بی‌رغبت می‌شود؛ زیرا انس و مصاحبت دائمی با همسر، زیبایی و جاذبه و امتیازاتش را عادی جلوه می‌دهد و از آنجا که «مرغ همسایه غاز است»، امتیازات عادی دیگران نزدش چشم‌گیرتر و مهم‌تر می‌شود. خرده‌گیری از همسر، سبب دل‌سرد شدن همسر و کوتاهی در انجام وظایف خود می‌شود. اگر زندگی آنان به جدایی نینجامد، کمترین حاصل آن این است که همسرش را زودرنج و شکننده کرده و رفتارش را تنش‌آور و بهانه‌جو می‌کند.

نمونه این چشم‌چرانی و عاقبت شوم آن را می‌توان در این داستان مشاهده کرد. رسولی محلاتی رحمته الله می‌گفت:

روزی موذنی که سابقه چهل سال اذان گفتن داشت، برای گفتن اذان بالای مناره رفت و پس از اتمام اذان، نگاهی به خانه‌های اطراف مسجد کرد. ناگهان چشمش به دختری در یکی از

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ص ۷۱۷.

۲. بیانات در خطبه عقد؛ ۱۳۷۵/۰۲/۱۲.

خانه‌ها افتاد که مشغول شستن سر و بدن خود بود. تا وقتی که دختر در حیاط خانه بود، با نگاه او را تعقیب کرد. وقتی دختر به داخل اتاق رفت، او نیز از بالای مناره پایین آمد و به در آن خانه رفت و دختر را از پدرش خواستگاری کرد. صاحب‌خانه که او را می‌شناخت، با تعجب گفت: ما بر اساس آیین خود نمی‌توانیم به مسلمان دختر بدهیم. باید به دین ما در آیی. مؤذن که سرتاپای وجودش را شهوت فرا گرفته بود، برای رسیدن به خواسته‌اش حاضر شد به دین آنان در آید. از این رو ابتدا به آیین آن‌ها وارد شد و سپس برای رفتن به حجله عروسی که در طبقه بالای خانه بود، با عجله از پله‌ها بالا رفت. وقتی به پله آخر رسید، پایش لغزید و از همان جا به درون حیاط پرت شد و در دم جان سپرد و به کام دل نرسید و به حالت کفر از این جهان چشم بر بست!

۹. اندیشه و یادآوری

از دیگر راهنمایی‌هایی که برای آلوده نشدن به معصیت مطرح شده است، استفاده از نعمت بی‌نظیر تفکر و اندیشه برای یادآوری همیشگی است؛ یادآوری نعمت‌ها، مرگ، حساب قیامت و تبعات گناه. اگر انسان از این راه خدادادی بهره نبرد و نصیحت‌گر خویشتن نشد، هیچ نصیحت‌گر دیگری نمی‌تواند او را به سعادت برساند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاِعْظًا فَإِنَّ مَوَاعِظَ النَّاسِ لَنْ تُغْنِي عَنْهُ شَيْئًا»^۲ کسی که خداوند واعظی در درونش قرار نداده باشد، قطعاً موعظه‌های مردم هیچ نفعی برایش نخواهد داشت».

الف. یادآوری نعمت‌های الهی

حضرت هود علیه السلام در موعظه قومش، آنان را به یادآوری نعمت‌های الهی سفارش می‌کرد: «فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۳ پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید تا رستگار شوید». یاد نعمت‌های الهی، سبب شکر و سپاس از خداوند می‌شود. سپاسگزاری مراتبی دارد که کمترین مرتبه آن، به کار نگرفتن نعمت‌های الهی در نافرمانی خداوند مُنعم است؛ چنانکه امام علی علیه السلام

۱. سید هاشم رسولی محلاتی؛ کیفر گناه؛ ص ۳۲۵.

۲. محمد بن محمد مفید؛ الامالی؛ ص ۲۸.

۳. اعراف: ۶۹.

فرموده است: «أَقَلُّ مَا يَلْزَمُكُمْ لِلَّهِ أَلَّا تَسْتَعِينُوا بِنِعْمِهِ عَلَى مَعَاصِيهِ»^۱ کمترین حقی که خداوند بر شما دارد، این است که به وسیله نعمت هایش او را نافرمانی نکنید».

ب. یادآوری مرگ

یاد مرگ، از دیگر ابزارهای جلوگیری از انجام معصیت الهی است؛ چنانکه امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن نامه خود به محمد بن ابی بکر و مردم مصر، نوشت: «مرگ را بسیار یاد کنید و مرگ، برای اندرزگویی کافی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فراوان یاران خود را به یادآوری مرگ سفارش می نمود و می فرمود: بسیار یاد مرگ کنید؛ چرا که یاد مرگ، شکننده لذت‌ها و فاصله‌ای میان شما و شهوت‌هاست»^۲.

حسن صیقل می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردم از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کنند که اندیشیدن یک ساعت، بهتر از عبادت یک شب است. امام صادق علیه السلام فرمود: آری، پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمود. گفتم: این چه اندیشه‌ای است و چگونه باید فکر کرد؟ حضرت فرمود: «بِمُرِّ بِالْخَرِيبَةِ وَ بِالذَّارِ فَيَتَنَكَّرُ فَيَقُولُ أَيْنَ سَاكِنُوكَ وَ أَيْنَ بَانُوكَ مَا لَكَ لَا تَتَكَلَّمِينَ»^۳ هنگامی که انسان از کنار خرابه‌ای می گذرد، بگوید: آن‌ها که در تو سکونت داشتند، کجایند؟ آن‌ها که تو را ساختند، کجایند؟ چرا سخن نمی گویی؟».

ج. یادآوری قیامت

مولای متقیان علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر، یاد معاد و قیامت را راه فرو بردن خشم معرفی کرده و فرموده است:

خشم و شدت و غضب و سرکشی و قدرت و تیزی زبانت را در اختیار بگیر و از تمام این امور به وسیله باز داشتن خود از شتاب در انتقام و تأخیر انداختن حمله، خود را حفظ کن تا اینکه خشمت آرام شود و عنان اختیارت را به دست گیری، و هرگز حاکم بر نفس خود نخواهی شد تا اینکه بسیار به یاد معاد و بازگشت به سوی خداوند بیفتی.^۴

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۵۳۳، حکمت ۳۳۰ و نیز ر.ک: خطبه ۱۹۸ و حکمت ۲۹۰.

۲. محمد بن محمد مفید؛ الامالی؛ ص ۲۶۴.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۵۴.

۴. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ نامه ۵۳.

شاید این سؤال مطرح شود که آیا زیاد یاد مرگ و قیامت بودن، سبب تلخ‌کامی و افسردگی آدمی نمی‌شود؟ واقعیت آن است که این مسأله کاملاً بالعکس است. همه انسان‌ها در زندگی خود گرفتار مشکل یا مشکلاتی هستند.^۱ این مشکلات باعث تلخی زندگی آن‌ها می‌شود، اما اگر یاد مرگ و قیامت یکی از صفات همیشگی‌شان باشد، باعث تقویت ایمان به پایان آن مشکلات و جبران الهی در قیامت خواهد شد و شادمانی را برایش به ارمغان می‌آورد.

باور به پاداش و کیفر اعمال و اعتقاد به اینکه هیچ کدام از نیکی‌ها و بدی‌ها ناپود نمی‌شود، می‌تواند عامل بازدارنده از گناهان باشد. حتی گمان به وجود معاد نیز موجب می‌شود انسان جانب احتیاط را رعایت، و از گناهان دوری کند. فردی که به معاد ایمان دارد، معتقد است تمام کارها در روز قیامت محاسبه می‌شود و به حساب ریز و درشت اعمالش رسیدگی خواهد شد و جزای آن‌ها را خواهد دید. بنابراین مراقب رفتار خود خواهد بود.

د. یادآوری پیامد اعمال

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند در پیشگیری از گناه مؤثر باشد، به یاد آوردن زودگذری لذت گناه و باقی ماندن تبعات آن است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «لَوْ لَمْ يَنْهَ اللَّهُ سُبْحَانَ عَنْ مَحَارِمِهِ لَوْجَبَ أَنْ يَجْتَنِبَهَا الْعَاقِلُ»؛^۲ اگر خدای سبحان از گناهان نهی هم نمی‌کرد، بر انسان عاقل لازم بود که از آن‌ها دوری کند».

واژه عاقل در این روایت، به این معناست که بهره بردن از نعمت تعقل و اندیشه، سبب دوراندیشی و عاقبت‌نگر شدن انسان می‌شود؛ به طوری که هنگام آماده شدن زمینه گناه، به آثار و پیامدهای منفی زیادی که یک گناه دارد، توجه می‌کند و می‌فهمد که این همه پیامد، ارزش چند لحظه شیرینی زودگذر را ندارد. بنابراین اندیشیدن درباره حسابرسی کردار، نقش مهمی در بازدارندگی از گناه دارد. از همین روست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ زُنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُزْنُوا وَ تَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ»؛^۳ پیش از آنکه به حساب شما برسند، خودتان به حساب خویش برسید و پیش از آنکه مورد سنجش قرار گیرید، خویشتان را بسنجید و خود را

۱. در آیه ۴ سوره بلد فرموده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ؛ ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از رنج‌هاست)». همچنین در صفحه ۱۱۳ کتاب غررالحکم می‌خوانیم: «الدُّنْيَا عَلِيَّةٌ بِالْمَصَائِبِ طَارِقَةٌ بِالْفَجَائِعِ وَ التَّوَائِبِ؛ دنیا پُر از مصیبت‌هاست و میهمانی است که همراه با دردها و حادثه‌ها نزد میزبان می‌آید».

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ص ۵۶۸.

۳. علی بن موسی ابن طاووس؛ محاسبة النفس؛ ص ۱۳.

برای بزرگ‌ترین امتحان آماده سازید».

استخوان و موی مقهوران نگر تیغ قهر افکنده اندر بحر و بر^۱

مرحوم آیت الله شیخ محمدکاظم شیرازی^{علیه السلام} می‌گوید:

همراه عالم بزرگ، مرحوم میرزا ابراهیم محلاتی شیرازی^{علیه السلام} از نجف تا شیراز بودم. شب‌ها که اتراق می‌کردیم، ایشان در یک چادر خصوصی تنها می‌نشست و کسی را هم نمی‌پذیرفت و تا یک ساعت در تاریکی می‌ماند. علت را از ایشان سؤال کردم، فرمود: «در شیراز به شما می‌گویم». وقتی که به شیراز رسیدیم، فرمود: «روزی یک ساعت برای محاسبه اعمال روزم اختصاص داده‌ام تا اگر کار بدی کرده‌ام، جبرانم کنم و اگر کار خوبی انجام دادم، به خاطر توفیقی که خداوند به من داده، او را شکر کنم».^۲

هـ جهانگردی

قرآن حکیم به صورت مکرر، همگان را به جهانگردی و عبرت‌آموزی از پیشینیان دعوت کرده است؛ چنانکه در آیه ۴۶ سوره حج فرموده است: «آیا آنان در زمین سیر نکردند تا دل‌هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند؛ یا گوش‌های شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشم‌های ظاهر ناپیدا نمی‌شود؛ بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست، کور می‌گردد».^۳

امیر مؤمنان^{علیه السلام} در کلامی کوتاه ولی پُر معنا فرموده است: «كَفَى بِمَا سَلَفَ تَفَكُّرًا؛^۴ اندیشه کردن در آنچه گذشته است، (برای سعادت انسان) کافی است».

استخوان و پشم آن گرگان عیان بنگرید و پند گیرید ای مِهان^۵

عافل از سر بنهد این هستی و باد چون شنید انجام فرعونان و عاد^۶

امام علی^{علیه السلام} در نامه خود به امام حسن^{علیه السلام} که در واقع «رساله سعادت» است، فرموده است: فرزندانم، اخبار پیشینیان را بر قلبت عرضه کن و آنچه را بر سرشان آمده، به یادش آور. در شهرهای

۱. جلال‌الدین محمد مولوی بلخی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر ششم، سایت گنجور.

<https://ganjoor.net/moulavi/masnavi/daftar6/sh64/>

۲. سید عبدالحسین دستغیب؛ داستان‌های شگفت؛ ص ۱۴.

۳. در ۱۲ آیه دیگر نیز به جهانگردی، با هدف عبرت‌آموزی امر شده است.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۲۷۵.

۵. مِهان: بزرگان.

۶. جلال‌الدین محمد مولوی بلخی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر اول، سایت گنجور.

<https://ganjoor.net/moulavi/masnavi/daftar1/sh145/>

آنان و در میان آثارشان سفر کن و نگاه کن در آنچه انجام دادند و اینکه از کجا منتقل شدند و در کجا فرود آمدند و منزل کردند. اگر این کار را انجام دادی، در می‌یابی که آنان از کنار دوستان خود رفتند و به دیار غربت وارد شدند و گویی تو هم به اندک زمانی چون یکی از آنان خواهی شد.^۱

۱۰. پرهیز از مقدمه گناه

شیعیان دوازده‌امامی و معتزلیان از اهل تسنن، معتقدند که همه احکام الهی دارای مصلحت آشکار یا پنهان هستند. برخی دستورات الهی، مقدمه‌ای برای دستوری بزرگ‌تر و مهم‌تر می‌باشند؛ برای مثال وضو گرفتن دارای مصلحت است، ولی خود مقدمه‌ای برای مصلحتی بزرگ‌تر یعنی نماز است. در حوزه نهی‌ها و هشدارها نیز برخی رفتارها، از آن جهت که موجب ارتکاب گناه می‌شود، مورد نهی و هشدار الهی قرار می‌گیرند؛ برای مثال با توجه به خطرات ناشی از زبان، کم‌گویی و پرهیز از سخنان غیر ضروری به عنوان یکی از طرق پیشگیری از خطرات زبان، مورد توصیه اکید قرار گرفته است. از این رو عده‌ای از بزرگان، نخستین گام در تهذیب نفس را مسأله «کنترل زبان» می‌دانند. در روایات اسلامی از دروغ شوخی نیز نهی شده است؛ هر چند گناه نمی‌باشد. امام سجاد علیه السلام به فرزندانش می‌فرمود: «اتَّقُوا الْكُذْبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَ الْكَبِيرَ فِي كُلِّ جَدٍّ وَ هَزْلٍ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَى عَلَى الْكَبِيرِ؛^۲ از دروغ پرهیزید، خواه کوچک باشد و خواه بزرگ، جدی باشد و یا شوخی؛ زیرا دروغ کوچک، انسان را دلیر می‌کند که از دروغ بزرگ نترسد».

رعایت حجاب کامل، مقدمه‌ای برای به هم نخوردن نظام خانواده‌ها، پیشگیری از روابط نامشروع، جلوگیری از ازدیاد طلاق و... است. حساسیت بسیار بزرگان دینی نسبت به این موضوع، به سبب تبعات و پیامدهای خانمان‌سوز آن است. کارشناسان معتقدند بدحجابی، به‌خصوص در افراد و خانواده‌های مذهبی، نوعی بدبینی را در میان همسران ایجاد می‌کند که اختلاف‌برانگیز است. بنا بر بعضی مطالعات، نابسامانی‌های خانوادگی در ردیف نخست علل طلاق قرار دارد. این نابسامانی‌ها می‌تواند در مسائل بین فردی همسران ریشه داشته باشد. برخی

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۳۹۲، نامه ۳۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۳۳۸.

کارشناسان نیز بدحجابی را علت ۱۰ تا ۱۵ درصد طلاق‌ها دانسته‌اند.^۱ بر اساس بررسی‌های انجام شده، ۴۹ درصد طلاق‌ها به علت بدحجابی و رعایت نکردن مسائل عفاف است. بدحجابی، سبب شکسته شدن حریم روابط زن و مرد در اجتماع و گسترش افکار انحرافی در جامعه می‌شود و در نتیجه، آمار طلاق و فحشا افزایش می‌یابد.^۲

خلوت‌گریزی

همان‌گونه که برخی گناهان به صورت گروهی و همراهی با رفیق ناباب امکان‌پذیر است، برخی دیگر از گناهان نیز در تنهایی افراد اتفاق می‌افتد.^۳ بنابراین باید اوقات تنهایی و فراقت را با کارهای عبادی، هنری، ورزشی و... پُر کرد و از لذت‌های حلال به عنوان جایگزین استفاده نمود. اجرایی شدن این مسأله افزون بر تلاش فردی، به خانواده‌ها و حاکمیت نیز مرتبط است.

۲. نماز

عبادت‌بندگان، هیچ سودی برای ساحت پروردگار غنی و قادر ندارد و همه آثارش متوجه بنده می‌شود. یکی از مهم‌ترین آثاری که در همه عبادت‌ها وجود دارد، پیشگیری از وقوع گناه است؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزگار شوید». همچنین درباره اثر بازدارندگی روزه از گناه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما واجب شده؛ چنانکه بر کسانی که قبل از شما بودند واجب شد؛ شاید پرهیزگار شوید».

از آنجا که نماز نقشی ویژه و بسیار زیاد در پیشگیری از گناه دارد، به صراحت آن را مایه پیشگیری

۱. خبرگزاری جوان آنلاین؛ «بدحجابی به طلاق دامن می‌زند»؛ ۲۹ مرداد ۱۳۸۹.

<https://www.javanonline.ir/fa/news/407202>

۲. همان.

۳. ر.ک: نساء: ۱۰۸.

۴. بقره: ۲۱.

۵. بقره: ۱۸۳.

از نافرمانی‌ها معرفی نموده است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...»^۱ و نماز را برپا دار که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد». اهمیت این مسأله تا آنجاست که رسول خدا ﷺ فرموده است: «مَنْ لَمْ تَنْهَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ لَمْ يَزِدْهُ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا»^۲؛ کسی که نمازش او را از فحشا و منکر باز ندارد، هیچ بهره‌ای از نماز، جز دوری از خدا به دست نیاورده است».

جوشش و افزونی زَر در زکات عصمت از فحشا و منکر در صلات^۳

منبر نماز

آیت‌الله العظمی اراکی رحمته درباره دامادشان مرحوم آیت‌الله العظمی سید محمدتقی خوانساری رحمته گفته بود:

روزی علما و مبلغان و وعاظ را گرد آورد و گفت: «خدا یک نعمت بزرگی به شما داده و آن، نعمت طلاق لسان و فصاحت کلام است و این را خدا به شما داده است که می‌توانید این منبرها را تحویل مردم دهید. خوب است یک منبر را مخصوص نماز کنید؛ چون نماز در انظار مردم خفیف شده و مردم با نظر کوچکی به آن نگاه می‌کنند. با این قدرتی که خدا به شما داده است، می‌توانید این اهمیت نماز را به مردم بفمھانید و آن را در نظرشان بزرگ کنید».^۴

چگونگی بازدارندگی نماز

درباره چگونگی این اثر نماز، تحلیل‌های متعددی مطرح شده است که برخی از آن‌ها بیان می‌شود:^۵

۱. بازدارندگی محدود

بازدارندگی نماز از گناه، معلول رعایت احکام صحت و قبولی آن است؛ یعنی نمازگزار باید به

۱. عنکبوت: ۴۵.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۹، ص ۱۹۸.

۳. جلال‌الدین محمد مولوی بلخی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر ششم، سایت گنجور.

۴. علی صدراپی خویی؛ آیت‌الله اراکی، یک قرن وارستگی؛ ص ۶۴.

۵. ر.ک: محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۹، ص ۱۹۷.

خاطر صحت نمازش، دستوراتی را مانند غصبی نبودن مکان و لباس، طهارت بدن و... رعایت کند. این تحلیل مردود است؛ زیرا این اثر، عادی و معمولی است؛ در حالی که آیه در صدد بیان اثری خاص و ویژه است.

۲. بازدارندگی تشریحی

بنا بر برخی روایات، نماز انسان را به صورت تشریحی از فحشا و منکر نهی می‌کند و انسان در اطاعت کردن یا نکردن، مخیر است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُطِيعِ الصَّلَاةَ وَ طَاعَةَ الصَّلَاةِ أَنْ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ؛^۱ کسی که از فرمان نماز اطاعت نکند، نمازش نماز نیست و اطاعت از فرمان نماز، آن است که از فحشا و منکر دوری کند».

شاید بتوان نماز را به انسانی تشبیه کرد که دیگری را از فحشا و منکرات نهی می‌کند، اما همان‌گونه که لازمه نهی این نیست که شنونده حتماً گفته نهی‌کننده را عملیاتی کند؛ در نماز نیز چنین است و این‌گونه نیست که نمازگزار (به صورت تکوینی) از گناهان دور شود؛ زیرا انسانی که بر خلاف دستورات خداوند عمل می‌کند، نماز نیز نمی‌تواند بازدارنده او از گناهان باشد.

۳. بازدارندگی تکوینی و طبیعی

برخی تحلیلگران معتقدند نماز، نمازگزار را هر چند در آینده به واسطه تقویت ملکه ایمان، از گناه باز می‌دارد. در روایتی آمده است: جوانی از انصار با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز می‌خواند، ولی اهل فحشا نیز بود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در باره او فرمود: «إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا؛^۲ بالأخره روزی نمازش او را از ارتکاب فواحش نهی می‌کند». اتفاقاً چنین شد و چیزی نگذشت که او توبه کرد.^۲ علامه طباطبایی رحمته الله می‌نویسد:

از آنجا که نماز مشتمل بر ذکر خداست و این ذکر، اولاً ایمان به وحدانیت خدای تعالی و رسالت و جزای روز قیامت را به نمازگزار تلقین می‌کند و به او می‌گوید که خدای خود را با اخلاص در عبادت مخاطب قرار بده و از او درخواست کن که تو را به سوی صراط مستقیم هدایت کرده و از ضلالت و غضبش دور نماید. ثانیاً او را وادار می‌کند که با روح و بدن خود متوجه ساحت عظمت و کبریایی خدا شده، پروردگار خود را با حمد و ثنا و تسبیح و تکبیر یاد آورد و در آخر، بر خود و هم‌مسلمانان خود و بر همه بندگان صالح سلام بفرستد.

۱. همان، ص ۱۹۸.

۲. همان.

افزون بر این، او را وادار می‌کند به اینکه از حدث - که نوعی آلودگی روحی است - و از خبث یعنی آلودگی بدن و لباس، خود را پاک کند و نیز از اینکه لباس و مکان نمازش غصبی باشد، پرهیزد. پس اگر انسان مدتی کوتاه بر نماز خود پایداری کند و در انجام آن تا حدی نیت صادق داشته باشد، ملکه پرهیز از فحشا و منکر در او پیدا خواهد شد؛ به طوری که اگر فرضاً انسان یک نفر را موکل بر خود کند که دائماً ناظر بر احوالش باشد و او را آن‌چنان تربیت کند که این ملکه در او پیدا شود و به زیور ادب عبودیت آراسته شود، قطعاً تربیت او مؤثرتر از تربیت نماز نیست و به بیش از آنچه که نماز او را دستور می‌دهد، دستور نخواهد داد و به بیش از آن مقدار که نماز به ریاضت وادارش می‌کند، وادار نخواهد کرد.^۱

شاید این سؤال مطرح شود که با توجه به تصریح قرآن به نقش ویژه نماز در بازدارندگی از گناهان، چرا شاهد گناه برخی از نمازگزاران هستیم؟^۲ چند احتمال در پاسخ به این پرسش مطرح است:

الف. بطلان نماز

ادا نکردن نماز صحیح با شرایط لازم، می‌تواند یکی از دلایل این مسأله باشد؛ برای مثال وضو، تیمم، غسل و یا بخش‌های دیگری مانند قرائت، رکوع و سجود و دیگر اجزا و شرایط نماز صحیح نباشد. هر گاه نمازی از اصل باطل باشد، توقع اثرگذاری کامل از آن نامعقول خواهد بود. در روایتی منسوب به امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «ممکن است شخصی شصت و یا هفتاد سالش باشد، ولی نمازش مورد قبول خداوند نباشد». راوی پرسید: «چگونه می‌شود که نمازش مقبول واقع نمی‌شود؟». حضرت فرمود: «زیرا خداوند دستور داده است در وضو پاها را مسح کند، ولی به جای مسح، پاها را می‌شوید».^۳

ب. قبول نشدن نماز

ممکن است نمازی دارای شرایط ظاهری باشد، ولی مقبول درگاه الهی نباشد. بنابراین اگر نمازی مقبول واقع نشده است، نباید توقع داشت اثرگذاری کامل داشته باشد. امام صادق علیه السلام فرموده است: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَوْ قَبِلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ

۱. سید محمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۶، ص ۱۳۳.

۲. ر.ک: همان، ص ۱۳۴.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۳، ص ۳۱.

الْمُنْكَرِ فَيَقْدَرُ مَا مَنَعَتْهُ قُبِلَتْ مِنْهُ؛^۱ هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، ببیند آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز داشته یا خیر؟ پس به هر قدر که نمازش او را از گناه بازداشته است، مقبول واقع شده است».

چرایی قبول نشدن نماز، مبحث مستقلی است که بیش از بیست عامل مختلف برایش ذکر شده است؛ از جمله امام صادق علیه السلام فرموده است:

به خدا سوگند ممکن است پنجاه سال بر انسان بگذرد و خداوند یک نماز از او نپذیرد و چه چیزی سخت تر از این است. سوگند به خدا، شما از همسایگان و یاران خود کسی را می شناسید که اگر برای یکی از شما نماز بخواند، به سبب سبک شمردنش، آن را نخواهید پذیرفت. خداوند نیز جز چیز خوب و شایسته را قبول نمی کند. چگونه ممکن است چیزی را که خفیف شمرده شده است، بپذیرد؟!^۲

ج. بی روح بودن نماز

برخی افراد نماز را می خوانند، نه اینکه آن را اقامه کنند. لفظ «صلاة» در قرآن، با واژه هایی همچون «یقیمون» و «أقیموا» آمده است که به معنای «بر پا داشتن نماز» است. مسلمانی که نماز را بر پا می دارد، نماز در تمام زندگی او دیدنی است؛ چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُصَلِّي الصَّلَاةَ لَا بُكْتُبَ لَهُ سُدُّهَا وَلَا عُشْوَهَا وَإِنَّمَا يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا عَقَلَ مِنْهَا»^۳؛ ممکن است انسانی نماز بگذارد، ولی یک ششم و بلکه یک دهم آن را هم برای او ننویسند؛ زیرا آن مقدار از نماز را برای انسان می نویسند که از روی توجه و تعقل خوانده شده باشد».

د. وجود مانع

بازدارندگی از گناه، اثر طبیعی و اقتضایی نماز است، نه اثر فهری و حتمی؛ یعنی اگر مانع و مزاحمی در بین نباشد، نماز اثر خود را می گذارد و نمازگزار را از فحشا باز می دارد. حال اگر مانعی جلوی اثر آن را بگیرد، دیگر اثر نمی کند. در واقع نماز و موانع، مانند دو کفه ترازو هستند که هر گاه کفه یاد خدا سنگین تر شد، نمازگزار گناه نمی کند؛ اما هنگامی که کفه موانع سنگینی

۱. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۸، ص ۴۴۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۳، ص ۲۶۹.

۳. محمد بن زین الدین ابن ابی جمهور؛ عوالی اللئالی؛ ج ۱، ص ۳۲۵.

کند، نمازگزار از حقیقت یاد خدا غافل، و مرتکب معصیت می‌شود.

۱۱. یاد خدا

در آیه ۴۵ سوره عنکبوت، افزون بر اینکه نماز به عنوان یک بازدارنده مهم از گناه معرفی شده است؛ به یاد خدا نیز اشاره شده است. مفسران پیرامون یاد خدا نظرهای گوناگونی مطرح کردند. بر پایه حدیثی منسوب به امام صادق علیه السلام، یاد خدا بر خلاف نماز، به وقت و شرایط خاصی اختصاص ندارد و در نگاه داشتن انسان از فحشا و منکر، بزرگ‌تر از نماز است و نقشی بیشتر دارد. امام صادق علیه السلام درباره «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» فرمود: «مراد، یادآوری خدا به هنگام روبه‌رو شدن با حلال یا حرام الهی است»^۱.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرموده است:

خداوند سبحان فرمود: هر گاه بدانم که بنده‌ام غالباً به من مشغول و در حال یاد و ذکر من است، او را به مناجات با خود متمایل می‌نمایم. وقتی بنده‌ام چنین شد، اگر بخواهد خطایی مرتکب شود، مانعش می‌شوم. به درستی که آنان دوستان واقعی من هستند. آنان دلیران واقعی هستند. آنان کسانی هستند که هر گاه بخواهم زمین را هلاک نمایم و عقاب کنم، به خاطر آن‌ها هلاکت و عقوبت را از مردم بر می‌دارم.^۲

نشانه ذکر

فلسفه ذکر و یاد خدا، دور کردن انسان از گناه است؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ وَإِنْ قَلَّتْ صَلَاتُهُ وَ صِيَامُهُ وَ تِلَاوَتُهُ وَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فَقَدْ نَسِيَ اللَّهَ وَإِنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَ صِيَامُهُ وَ تِلَاوَتُهُ لِلْقُرْآنِ؛^۳ کسی که خدا را اطاعت کند، خدا را به یاد داشته است؛ اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش اندک باشد و آن کس که خدا را نافرمانی کند، خدا را فراموش کرده است؛ اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش زیاد باشد. اگر چه باید توجه داشت که یاد خدا، در حقیقت اولین و مهم‌ترین مواردی است که در پیشگیری از گناه مؤثر است.

۱. محمد بن مسعود عیاشی؛ تفسیر عیاشی؛ ج ۲، ص ۳۲۷.

۲. احمد بن محمد ابن فهد حلی؛ عدة الداعی؛ ص ۲۵۰.

۳. محمد بن علی صدوق؛ معانی الأخبار؛ ص ۳۹۹.

ازدواج یک دزد

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله، در شهر مدینه مردی با چهره‌ای آراسته و ظاهری پاک و پاکیزه بود؛ به گونه‌ای که گویی در میان اهل ایمان، انسانی نخبه و برجسته است. او در بعضی از شب‌ها، به دور از چشم مردمان به دزدی می‌رفت. شبی برای دزدی از دیوار خانه‌ای بالا رفت و اثاث زیادی را در میان خانه دید و زن جوانی که در خانه تنهاست. با خودش گفت: مرا امشب دو خوشحالی است، یکی بردن این همه اثاث قیمتی، یکی هم درآویختن با این زن! در این حال و هوا بود که ناگهان برقی غیبی به دلش زد و با خود فکر کرد مگر بعد از این همه گناه و معصیت و خلاف و خطا به کام مرگ دچار نمی‌شود؟ مگر بعد از مرگ خداوند او را مؤاخذه نمی‌کند؟ آیا در آن روز از حکومت و عذاب و عقاب حق راه گریزی هست؟ پس از اندیشه و تأمل، به سختی پشیمان شد و با دست خالی به خانه برگشت. وقتی که صبح شد، به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. ناگهان مشاهده کرد صاحب‌خانه شب گذشته، یعنی آن زن جوان به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و گفت: «زنی بدون شوهر هستم و ثروت زیادی در اختیار من است. قصد داشتم شوهر نکنم، اما شب گذشته به نظرم آمد دزدی به خانه‌ام آمده است؛ اگر چه چیزی نبرده، ولی مرا در وحشت و ترس انداخته است. جرأت اینکه به تنهایی در آن خانه زندگی کنم، برایم نمانده است. اگر صلاح می‌دانید شوهری برای من انتخاب کنید». حضرت به آن دزد اشاره کرد و به زن فرمود: «اگر میل داری تو را هم اکنون به عقد او در آورم». زن گفت: «از جانب من مانعی نیست». حضرت آن زن را برای آن شخص عقد بست. وقتی زن و شوهر به خانه رفتند، شوهر گفت: «آن دزد، من بودم و اگر دست به دزدی زده بودم و با تو چند لحظه به سر می‌بردم، هم مرتکب گناه مالی شده بودم و هم آلوده به معصیت شهوانی؛ و بدون شک بیش از یک شب به وصال تو نمی‌رسیدم، آن هم از طریق حرام؛ ولی چون به یاد خدا افتادم و گناه نکردم، خداوند چنین مقدر فرمود که امشب از درب منزل وارد گردم و تا آخر عمر با تو زندگی خوشی داشته باشم».^۱

راهب وزن پاکدامن

در روایتی از امام سجاده علیه السلام آمده است:

مردی با خانواده خود به سفر دریایی رفت، اما کشتی شکست و فقط آن زن نجات یافت. زن بر تخته پاره‌ای، خود را به جزیره‌ای رساند. در آن جزیره، راهزنی بود که از هیچ گناهی

۱. حسین انصاریان؛ عبرت‌آموز؛ ص ۹۷.

باک نداشت. وقتی راهزن زن را دید، پرسید: «انسان هستی یا جنّ؟». زن گفت: «انسان هستم». راهزن که قصد نزدیکی با آن زن را کرده بود، وقتی او را پریشان دید، پرسید: «چرا پریشان و نگرانی؟». زن گفت: «از او می‌ترسم» و با دست خود به آسمان اشاره کرد. راهزن گفت: «آیا تا به حال چنین کاری کرده‌ای؟». زن گفت: «به عزت خدا سوگند، نه». راهزن تحت تأثیر خداترسی زن گفت: «تو که تا کنون چنین کاری نکرده‌ای، این‌گونه می‌ترسی؛ به خدا سوگند که من به پریشان احوالی و ترس، سزاوارترم». سپس برخاست و به سوی خانواده‌اش بازگشت؛ در حالی که به توبه و اصلاح خود فکر می‌کرد. در راه راهبی را دید. راهب به او گفت: «از خداوند بخواه که برایمان ابری بفرستد». جوان گفت: «من کار خوبی نزد خدا ندارم که جرأت درخواست چیزی از او داشته باشم!». راهب گفت: «پس من دعا می‌کنم، تو آمین بگو». طولی نکشید که ابری آمد و بر سر آن‌ها سایه انداخت. مدتی را زیر سایه ابر راه رفتند تا به دو راهی رسیدند و جوان به راهی و راهب به راهی دیگر رفت. ابر با جوان همراه شد. راهب رو به جوان کرد و گفت: «تو از من بهتری؛ برای اینکه دعای تو اجابت شد، ولی دعای من اجابت نشد. ماجرایت چیست؟». جوان ماجرای خود با آن زن پاکدامن و خداترس را برایش بازگو کرد. راهب گفت: «چون ترس از خدا همه وجودت را فرا گرفت، گناهان گذشته‌ات آمرزیده شده است. اکنون مواظب کارهای آینده خود باش».^۱

فهرست منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله؛ شرح نهج‌البلاغه؛ چاپ اول، قم: مکتبه‌آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین؛ عوالی اللئالی؛ چاپ اول، قم: دار سیدالشهداء، ۱۴۰۵ق.
۳. ابن ابی‌فراس، مسعود بن عیسی؛ تنبیه‌الخواطر و نزهة‌النواظر المعروف بمجموعه‌ورّام؛ چاپ اول، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد؛ عدة‌الداعی؛ چاپ اول، [بی‌جا]: دار‌الکتاب‌الإسلامی، ۱۴۰۷ق.

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۶۹.

۵. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد؛ دعائم الإسلام؛ چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵ق.
۶. ابن خلکان، احمد بن محمد؛ وفيات الأعیان؛ چاپ اول، قم: شریف رضی، ۱۳۶۴ش.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی؛ اقبال الاعمال؛ چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ق.
۹. _____؛ محاسبة النفس؛ چاپ چهارم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۶ش.
۱۰. ابن عاشور، محمد طاهر؛ التحرير و التنوير؛ چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۱. ابن مشهدی، محمد بن جعفر؛ المزار الكبير؛ چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ق.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ چاپ سوم، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۳. ازهری، محمد بن احمد؛ تهذیب اللغة؛ چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۴. امام زین العابدین علیه السلام، علی بن حسین؛ صحیفه سجادیه؛ قم: الهادی، ۱۳۷۶ش.
۱۵. انصاری، مرتضی؛ فرائد الأصول؛ چاپ نهم، قم: مجمع الفکر، ۱۴۲۸ق.
۱۶. انصاریان، حسین؛ عبرت آموز؛ چاپ دوم، قم: دار العرفان، ۱۳۸۵ش.
۱۷. انصاریان، محمد تقی؛ مرجع متقین؛ چاپ اول، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۹۴ش.
۱۸. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ روح المعانی؛ چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۹. بحرانی، میثم بن علی؛ شرح نهج البلاغه؛ چاپ دوم، [بی جا]: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
۲۰. بلاذری، احمد بن یحیی؛ أنساب الأشراف؛ چاپ اول، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
۲۱. بهجت، محمد تقی؛ رحمت واسعه؛ چاپ ششم، قم: مؤسسه فرهنگی هنری البهجة، ۱۳۹۵ش.
۲۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ چاپ دوم، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۳. خراسانی، محمد هاشم؛ منتخب التواریخ؛ تهران: کتابفروشی علمی، [بی تا].
۲۴. دستغیب، سید عبدالحسین؛ داستان های شگفت؛ چاپ سوم، تهران: صبا، ۱۳۶۲ش.
۲۵. دیلمی، حسن بن محمد؛ ارشاد القلوب؛ چاپ اول، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۲۶. _____؛ أعلام الدین فی صفات المؤمنین؛ چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

۲۷. رسولی محلاتی، سید هاشم؛ کیفر گناه؛ چاپ بیست و سوم، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۸۸ش.
۲۸. سبحانی، جعفر؛ مفاهیم القرآن؛ چاپ چهارم، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۱ق.
۲۹. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۳۰. صدوق، محمد بن علی؛ الخصال؛ چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۳۱. _____؛ فضائل الشیعه؛ چاپ اول، تهران: علمی، [بی تا].
۳۲. _____؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۳۳. _____؛ معانی الأخبار؛ چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۳۴. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۷ق.
۳۵. طبرسی، احمد بن علی؛ الإحتجاج علی أهل اللجاج؛ چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الأحکام؛ چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۳۸. _____؛ مصباح المتهدّج و سلاح المتعبّد؛ چاپ اول، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة، ۱۴۱۱ق.
۳۹. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ چاپ اول، تهران: المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ق.
۴۰. فنخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر؛ چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۱. فیض کاشانی، محسن؛ منهاج النجاة؛ چاپ اول، قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۴۲. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا؛ کنز الدقائق؛ چاپ اول، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۶۸ش.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

۴۴. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالأنوار؛ چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۵. _____؛ مرآة العقول؛ چاپ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
۴۶. مظفر نجفی، محمد حسن؛ دلائل الصدق لنهج الحق؛ چاپ اول، قم: موسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۲۲ق.
۴۷. مفضل بن عمر؛ توحيد مفضل؛ چاپ سوم، قم: داوری، [بی تا].
۴۸. مفید، محمد بن محمد؛ الأمالی؛ چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۹. مکی عاملی، محمد بن جمال الدین؛ القواعد و الفوائد؛ چاپ اول، قم: کتابفروشی مفید، [بی تا].

سایت‌ها

۱. خبرگزاری جوان آنلاین؛ «بدحجابی به طلاق دامن می‌زند»؛ ۲۹ مرداد ۱۳۸۹، کد خبر: ۴۰۷۲۰۲.
۲. خبرگزاری رسمی حوزه؛ «ماجرای یک سال روزه پشت سر هم آیت‌الله العظمی بروجردی علیه السلام»؛ ۱۳۹۸/۰۲/۲۱، کد خبر: ۴۹۱۸۰۳.
۳. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
۴. سایت گنجور، مثنوی معنوی؛ اشعار جلال‌الدین محمد مولوی بلخی.